

حدیث روز	ذکر روز دوشنبه	تفال روز
بهترین برادر تو کسی است که خطایت را فراموش کند و احسان تو را به خودش، به یاد آورد .	صدمرتبه «یا ارحم الراحمین»	نسیم باد صبا دوشم آگهی آورد که روز محنت و غم رو به کوتهی آورد به مطریان صبحی دهم جامه جاک بدین نوید که باد سحرگهی آورد
امام حسن عسکری(ع)، بچار الانوار		

						
مشهد	نیشابور	سبزوار	تربت حیدریه	کاشمر	قوچان	تربت جام
۱۱▼ ۲۵▲	۹▼ ۲۰▲	۱۰▼ ۲۷▲	۸▼ ۲۵▲	۱۱▼ ۲۶▲	۴▼ ۲۲▲	۱۲▼ ۲۶▲

خبرنگار صبری

سه شنبه ۴ مهر ۱۴۰۲
۱۰ ربیع الاول ۱۴۴۵
۸ صفحه / شماره ۵۳۴۶

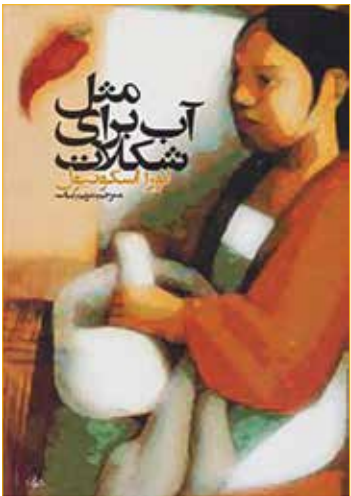
همشهری سلام همشهری سلام همشهری سلام همشهری سلام همشهری سلام همشهری سلام

بریده‌کتاب

قوطلی کبریت درون!

مادر بزرگم نظریه بسیار جالبی داشت. می‌گفت هریک از ما با یک قوطلی کبریت در وجودمان متولد می‌شویم اما خودمان قادر نیستیم کبریت‌ها را روشن کنیم. برای این کار محتاج اکسیژن و شعله هستیم. به عنوان مثال، اکسیژن از نفس کسی می‌آید که دوستش داریم، شعله می‌تواند هر نوع موسیقی، نوازش یا صدایی باشد که یکی از چوب کبریت‌ها را مشتعل می‌کند. آدم باید به این کشف و شهود برسد که چه عاملی آتش درونش را اپیوسته شعله‌ور نگه می‌دارد. آن آتش، غذای روح است. اگر کسی به موقع در نیابد که چه چیزی آتش درون را شعله‌ور می‌کند، قوطلی کبریت وجودش، نم برمی‌دارد و هیچ‌یک از چوب کبریت‌هایش هیچ‌وقت روشن نمی‌شود!

برگرفته از «مثل‌آب برای شکلات»، اثر لورا اسکوتیل



سه‌نقطه



نکته‌ها

در‌های پشت‌سر

- هیچ دری را پشت‌سر خود نیندیم، شاید پس از فروکش غرور مان، لازم شد از همان در برگردیم.
- آدم‌های بزرگ مثل رودخانه همیشه در جریان هستند و آدم‌های بزرگ‌تر مثل یک رودخانه عمیق در جریان هستند، بدون ر کود و بدون سر و صدا.
- سعی کنیم حرفی که می‌نیم از سکوت‌مان ارز‌شمندتر باشد، وگرنه سکوت بهتر است.
- اگر خودمان را باور داشته باشیم منتظر تمجید دیگران نخواهیم بود.

کاریکلماتور

زبان سکوت

- فریاد زندگی در سکوتِ گورستان‌ته‌نشین می‌شود.
- همهٔ مردم جهان به یک زبان سکوت می‌کنند.
- شب‌ها با ستارگان بیلیار بازی می‌کنم.
- هیچ جنایتکاری به اندازه قلم‌باخون سروکار ندارد.

مرحوم پرویز شاپور

غذا خوردن پاندهای غول‌پیکر یک باغ‌وحش در چین |*اشاتر استاک*



سفرنامه

خوش سلیقگی ایرانیان قرن ۱۹ میلادی

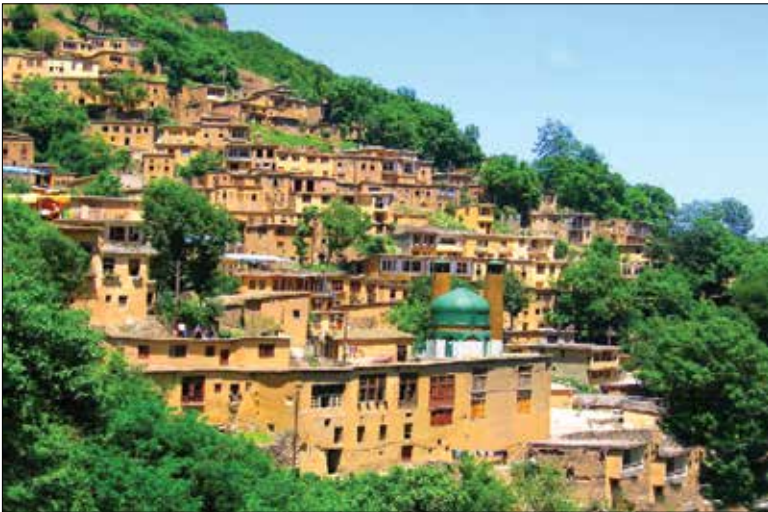


هانری رنه سیاح آلمانی قرن نوزدهم در باره سلیقه ایرانی‌ها می‌گوید: «ایرانیان به حدی عاشق تزیینات هستند که گاهی روی پارچه گلدوزی شده دوباره به سلیقه خود تزییناتی اضافه می‌کنند. گلدوزی روی پارچه بیشتر به دست دختران جوان انجام می‌گیرد. پارچه‌هایی را که دختران برای بقیچه و روبه لحاف و صندوق پوش و... قبل از عروسی گلدوزی کرده‌و به عنوان جهیزیه به خانه شوهر برده‌اند، بسیار زیبا و خوش‌نما هستند؛ زیرا که خواسته‌اند تا احدا مکان هنر خود را در آن‌ها نشان دهند. در قرون هفدهم و هجدهم هنر مندان ایرانی گلدوزی را به درجه کمال رسانده بودند. آن‌ها با قطعات ماهوت الوان عکس اشخاص را با لباس و اسلحه و جواهر زینتی به خوبی نمایش می‌دادند و مثل این بود که نقاش ماهری عکس شخصی را با قلم کشیده باشد.

برگرفته از «سفرنامه»، دانش پژوه

واژه‌شناسی

ماسوله



ماسوله در زبان پهلوی به صورت «ماه سوله» نوشته شده است. ماه در این واژه به معنای خاص خودش به کار رفته و سوله نیز در گویش محلی به معنی کوچک است، که در یک ترکیب کلی به معنی سرزمین ماه کوچک خوانده می‌شود.

برگرفته از «نام مکان های جغرافیایی در بستر زبان»، مهرالزمان نوبان

دور دنیا

آیات نور

کیست که گناهان را می‌بخشد جز خداوند؟



مرحوم استاد فاطمی نیا در باره گناه و پیاس از رحمت خدا فرموده‌اند: «یکی از وحشت‌ها، وحشت از گناه است. یعنی وحشتی که نتیجه گناه است. البته کسانی که غرق در گناه و معصیت شده‌اند، دیگر کم‌کم بر ایشان عادی شده و هیچ ناراحت نمی‌شوند! اما افراد متعارف و معمولی گاهی پس از انجام گناه، حالت وحشتی به آنان دست می‌دهد. شیطان از این حال استفاده نموده و می‌خواهد آنان را مایوس کند و می‌گوید: «دیگر کار تو تمام شده است. بی‌خود به دنبال بازگشت به راه خیر نباش، از تو گذشته!» اما خداوند در سوره آل عمران، آیه ۳۵ می‌فرماید: «و کسانی که هر گاه کار زشتی کنند یا بر خویشتن ستم نمایند، خدا را یاد می‌کنند؛ پس طلب مغفرت و بخشش برای گناهان شان می‌کنند و کیست که گناهان را می‌بخشاید جز خداوند؟»

بر گرفته از: «نکته‌ها از گفته‌ها»

در محضر بزرگان

دعا، گنجینه اجابت است



آیت... جوادی آملی می‌فرمایند: «یکی از بارزترین تفکرات اسلامی، جریان نیایش به سوی خداوندی که نه تنها موجب پیدایش قرب معنوی است، بلکه در برآوردن بسیاری از نیازها سهم بسزایی دارد و همان‌طور که ابر می‌بارد، دعا نیز عامل اجابت خواهد بود؛ چنان که امام صادق (ع) فرمود: «الدَّعاء کَھفُ الإِجابه کَمَا أنَّ السَّحَاب کَھفُ المطر» (یعنی: دعا، مخزن و گنجینه اجابت است همان‌طور که ابر، مخزن باران است..)

بر گرفته از: «سرچشمه اندیشه»

داستان واقعی

آخرین عملیات

جمع شده بودند دور یکدیگر . همه دمع بودند و گرفته . محمد گفت دیدی جنگ هم تمام شد و ما شهید نشدیم؟ سید حسین موسوی گفت: من از خدا خواستم در آخرین عملیات شهید شم . علی گفت: شما هم دلت خوشه حسین آقا، آخرین عملیات کدومه، همه چیز تمام شد. سیدحسین نگاه عاقل اندر سفیھی کرد و چیزی نگفت. سید حسین را از فرماندهی خواستند، رفت و برگشت: بلند شید، وقتش رسیده، یا... پاشید!

چی شده؟ وقت چی رسیده؟ منافقین به اسلام آباد حمله کردندو همان آخرین عملیات جنگ بود. چون عراقی‌ها از جلو و عقب محاصره شدند، نامش را گذاشتند مرصادو سید حسین موسوی مقدم در همان عملیات شهید شد. یعنی آخرین عملیات.

اندکی صبر

پلنگ خام

تو مثل روزهای خوب بودنی -همیشگی-

چونعکاس قرص ماه در زلال رود

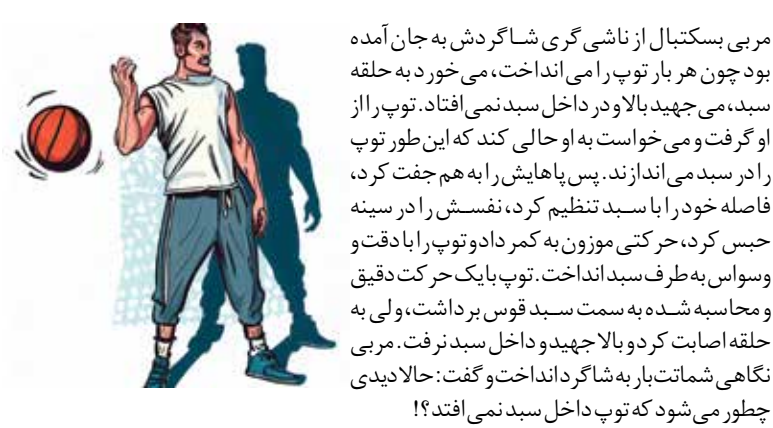
به اوج می‌رم مگر تو را

درون سینهام جاودان کنم

سجاد سبحانی

داستانک

خودت را بگذار جای او!



مربی بسکتبال از ناشی‌گری شاگردش به جان آمده بود چون هر بار توپ را می‌انداخت، می‌خورد به حلقه سبد، می‌جهید بالا و در داخل سبد نمی‌افتاد. توپ را از او گرفت و می‌خواست به او حالی کند که این‌طور توپ را در سبد می‌اندازند. پس پاهایش را به هم جفت کرد، فاصله خود را با سبد تنظیم کرد، نفسش را در سینه حبس کرد، حرکتی موزون به کمر دادو توپ را بدقت و وسواس به‌طرف سبد انداخت. توپ بایک حرکت دقیق و محاسبه شده به سمت سبد قوس برداشت، ولی به حلقه اصابت کرد و بالا جهید و داخل سبد نرفت. مربی نگاهش شماتت‌بار به شاگرد انداخت و گفت: حالا دیدی چطور می‌شود که توپ داخل سبد نمی‌افتد؟!

حکایت

ماجرای دلخوری افلاطون

روزی مردی در حال گفت‌وگو با افلاطون بودو در میان سخنانش گفت: «امروز فلانی تعریف را می‌کرد که افلاطون مرد بزرگواری است و...» افلاطون پس از شنیدن این حرف، سر فرود برد و سخت دلتنگ شد. آن مرد به افلاطون گفت: «ای حکیم! چه چیزی گفتم که چنین دلتنگ شدی؟» افلاطون در جواب به او گفت: «از تو آزرده خاطر نشدم، ولی مصیبت بالاتر از این که جاهلی مرا ستایش کند و کارم در نظرش پسندیده آید؟ نمی‌دانم او به‌خاطر کدام اشتباهی از من خوشش آمده که مرا استوده است؟»

حکایت‌های شیرین



چی بخونیم؟

«فهرست میهمانان»؛ رمانی جنایی و نفس‌گیر

«لوسی فولی» نویسنده جوان انگلیسی است که در حوزه داستان‌های جنایی و معمایی چند اثر معروف دارد که از بین آن‌ها رمان ۳۲۳ صفحه‌ای «فهرست میهمانان» جزو پرفروش‌های نیویورک تایمز قرار گرفته و نقدهای مثبتی هم دریافت کرده است.

داستان در باره مراسم عروسی سردبیر یک وبسایت معروف به نام جولیا بایک مجری پر طرفدار به نام ویل است. جولیا و ویل مراسم‌شان را در عمارتی مجلل و قدیمی، در یک جزیره مرعوز برگزار می‌کنند. پیش از شروع مراسم یادداشتی به دست عروس می‌رسد که او را از این ازدواج منع می‌کند. شب

